

گذشته و آینده شبکه سکولار دموکرات ها و دومین انتخابات شورای هماهنگی

کامییز باسطوت

12/15/2011

شبکه سکولار دموکرات ها دومین انتخابات شورای هماهنگی خود را با موفقیت برگزار کرد. تغییرات ترکیب این شورای رهبری امیدوار کننده و معقول است. سه شخصیت سیاسی جدید وارد شورا شدند که دو نفر از آنها از بانوان فعال شبکه هستند. از 278 هموند دارای حق رأی شبکه 106 نفر برای انتخاب هشت نفر هموند برای شورای هماهنگی و دو هموند برای بازرسان و سه هموند جایگزین از میان شانزده نامزد انتخاباتی رأی دادند. اولین نکته ای را که این انتخابات نشان میدهد تداوم شبکه دموکرات ها است که تنها تشکیلات سیاسی سازمان یافته منسجم با مرام نامه و برنامه سیاسی معین است. شبکه تنها سازمان سیاسی است که به علاقه مندان برای مبارزه با رژیم ضد مردمی و ایرانی جمهوری اسلامی فرصت میدهد تا انرژی سیاسی خود را برای هدفی آشکار و ملموس در چشم انداز افق سیاسی بکار ببرند.

سالیکه گذشت سالی بود که شبکه فعالیت رسمی داشت و با اولین انتخابات آشکار شبکه آغاز شد و با دومین انتخابات شورای هماهنگی پایان رسید. این سالی انباشته از تلاشهای گسترده برای وسعت دادن به جنبش سکولار دموکرات ها در خارج و تجربه سیاسی و تشکیلاتی بود. در این غریب زمانی سیاسی یک ساله دوستانی از شبکه جدا شدند و دوستان جدیدی به آن ملحق شدند و در این جریان سیاسی اهداف شبکه برای هموندان آن روشنتر و آشکار تر فرموله شد و در نتیجه آن انسجام شبکه افزایش قابل ملاحظه ای یافت. شبکه به دموکرات های ساکن خارج از کشور چار چوب تشکیلاتی سیاسی را داد تا بتوانند در سرنوشت سیاسی آینده ایران اثر بگذارند و نقش خود را در آن بازی کنند. شبکه به ایرانیان سکولار دموکرات مقیم خارج این فرصت را میدهد تا اندیشه سیاسی انفرادی خود را به آوانی جمعی تبدیل کنند که میتواند در آینده ایران تعیین کننده باشد. کنش شبکه سکولار دموکرات ها ماورای شکره وزاری از رژیم جمهوری اسلامی دشمن مردم است و برای انحلال آن برنامه ریزی روشن و عملی را پیشنهاد میکند. اساس نامه شبکه برای آزادی، دموکراسی، و نابود کردن انواع تبعیض های مذهبی، جنسی و قومی مقررات مستحکمی دارد و بدور از عوام فریبی های سیاسی انتزاعی و اهداف پنهان است.

با توجه به گذشته کوتاه شبکه که در حدود سه سال است، تغییرات قابل ملاحظه ای در هموندان آن مشاهده میشود. آنچه بیشتر از همه جلب نظر میکند ترک شخصیت های سیاسی شناخته دشته زیادی از مؤسسين شبکه است. بیرون رفتن این شخصیت های شناخته شده از شبکه سکولار دموکرات ها جای خالی را ایجاد کرد که با کوشندگان سیاسی ناشناخته اما متعهد به کار تشکیلاتی سیاسی پر شد. از 32 نفر مؤسسين شبکه تنها هفت نفر از آنها هنوز در شبکه هستند. اولین انتخابات شبکه بوسیله 30 نفر از این برگزیدگان سیاسی برای تشکیل شورای هماهنگی موقت آن برگزار شد و از یازده نفر برگزیدگان تنها دوفتر هنوز در شورای هماهنگی هستند (دکتر نوری علا و جناب حسین بر). شبکه در هر صورت به پیشروی خود ادامه داد و در اولین انتخابات با داشتن اندکی کمتر از دویست نفر هموند دارای حق رأی و رأی اندکی کمتر از 100 نفر اولین شورای هماهنگی شبکه تشکیل شد. این شورای هماهنگی با شایستگی شبکه را رهبری کرد و آنرا آن به دومین شورای هماهنگی باتغییراتی در هموندان تشکیل دهنده آن میسپارد. این شورا احتمالاً بکار شورای تدارکات یا هماهنگی و گنگره ملی در هر جهت سامان خواهد داد.

در سالیکه گذشت شبکه با انتقادات خصمانه و دوستانه زیادی روبرو شد و هموندان آن تلاش کردند پاسخ های قانع کننده و مستدل تنها به انتقاد کنندگان بلکه برای افکار عمومی که دارای حساسیت سیاسی هستند بدهند. خصمانه ترین انتقادها از طرف کسانی پیش کشیده شد که اصولاً وجود تشکیلات شبکه را زیر پرسش بردند و آنرا مضر به حال مبارزات داخلی ضد رژیم اسلامی ارزیابی کردند. این برخورد خصمانه برای آلترناتیو سیاسی که شبکه سکولار دموکرات ها ارائه میداد بیشتر توسط دو گروه سیاسی یکی اصلاح طلبان مذهبی پناهنده شده به خارج و دیگری کمونیست های انحصارطلب سکولاریسم و لائیسزم شکل میگرفت. در هر صورت هر دو گروه مخالفت آشکاری به وجود یک انتخاب سیاسی تشکیلاتی برای ایرانیان مقیم خارج داشتند، با وجود اینکه حق ایرانیان مقیم خارج برای یک تشکیلات سیاسی از روان دموکراسی خواهی برخوردار است، این دو گروه که خود را مدعیان دموکراسی خواهی اعلان میکنند این حق را انکار میکنند. با اینکه این دو گروه در مخالفت و تبلیغات منفی بر ضد شبکه همسنگر بودند و هستند اما ریشه این مخالفت سیاسی آنها کاملاً متفاوت است. از آنجا که مقاومت شبکه سکولار دموکرات ها در برابر کار شکنی های سیاسی این دو گروه از اهمیت زیادی برخوردار و مانند مرگ و زندگی برای شبکه است سزاوار میباشد هر کدام از آنها جداگانه بررسی شود.

محتوای سیاسی شبکه و برنامه سیاسی آن شامل اعتقاد به دموکراسی و آزادی، سکولاریسم، انحلال جمهوری اسلامی، تمامیت ارضی ایران و حکومت غیر متمرکز و همچنین در نهایت تشکیل یک آلترناتیو سیاسی بر باورهای ذکر شده بدون وابستگی به ایدئولوژی خاصی است. این محتوای سیاسی اجزائی را داراست که دو نیروی سیاسی مذهبی و کمونیست که هر دو در نهایت تمامیت خواه هستند، اراده کنند از رشد آن جلوگیری کنند. طبیعی است که یک نیروی سیاسی که در گور خود دمکرات است با یک نیروی سیاسی که در سرشت خود دیکتاتور است تحمل نشود. اگر به تاریخ معاصر ایران از انقلاب مشروطیت به بعد توجه کنیم و حتی پیش از آن، دمکرات ها همواره با اتحاد نیروهای دیکتاتور سرشت درگیر شده اند و انگ های متفاوتی به آنها زده شده است. آنچه نظر تاریخ ورزان تاریخ معاصر ایران را جلب نکرده است فرصت های از دست رفته رشد نیروهای دمکراسی خواه در سپهر سیاسی تاریخ ایران بوده است. شکل گرفتن رژیم جمهوری در دوران انقلاب مشروطیت بوسیله اسلام سیاسی با شکست روبرو شد. در دوران آزادی و دمکراسی 1320 تا 1332 که بکمک غربی ها دمکراسی مشروطیت زندگی دوباره یافت، بیشترین حمله ها به و سوء استفاده ها از دمکراسی حاکم بر ایران توسط کمونیست ها و فدائیان اسلام شد. همچنین چنانچه یکی از نیروهای پایان بخش به این دوران دمکراسی غایب بودند، بدین معنی که اگر دکتر مصدق و یارانش برای ادامه دمکراسی ایران بیشتر از ملی شدن نفت آنطور که آنها میخواستند اهمیت میدادند و یا اگر حزب توده و کمونیست ها آنچنان نوکر روس ها نبودند کودتای ارتش به کمک اسلامی ها هرگز اتفاق نمی افتاد که اسلامی ها با میل آنرا کلاً به عهده آمریکا و انگلیس میگذارند. تا وقتی که خطر کمونیست ها زیاد بود اسلامی ها هرگز شاه را رها نکردند. و آخرین بار نیروهای دیکتاتور خواه در انقلاب 1357 با اتحاد مقدس خود توانستند رژیم مشروطیت و دولت بختیار را نابود کنند.

شبکه سکولار دمکرات ها در حال حاضر با همان نیروهای سنتی دیکتاتور خواه روبرو است که پیشینانش با آن روبرو شدند و شکست خوردند. در میان ایرانیان مقیم خارج شبکه فضائی را در سپهر سیاسی اشغال کرده و آلترناتیوی را ارائه داده است که جای اسلام سیاسی و کمونیست ها را بشدت تنگ کرده است. سکولار دمکرات ها باید بدانند که نیروهای سیاسی دیکتاتور خواه با تمام اختلافاتی که در گور سیاسی خود با هم دارند این را بخوبی میدانند که یک نیروی آزادی خواه و دمکرات در صورت نیرومند شدن برای همیشه نیروهای دیکتاتور خواه را از شانس حاکمیت محروم خواهد کرد برای همین همواره در روبرو شدن با دمکرات ها جبهه واحدی را تشکیل میدهند. اگر اسلام سیاسی در جبهه روبرو با سکولار دمکرات ها در حال جنگ است سکولار های چپ نقش ستون پنجم اسلام سیاسی را در میان آنها دارند و پشت جبهه آنها تضعیف میکند.

سالی تعیین کننده برای شبکه در پیش است، سالی که معین مینماید انتظارهای سیاسی آن از سایر نیروهای سیاسی مخالف جمهوری اسلامی چقدر مثبتی بر واقعیت است و کدام نیروی سیاسی منافع و بقای خود را در اتحاد با شبکه مبیند. در آینده نزدیک دگرگونی های سیاسی بزرگی خواهد بود که شبکه میتواند در آن نقش تعیین کننده ای بازی کند. همینطور شبکه میتواند بیش از این به گفتمان سیاسی در میان سیاحت ورزان شکل بدهد. شبکه با تجربه تشکیلاتی و سیاسی که اندوخته است میتواند با اتکا به واقعگرایی بیشتر و دوری از توهم های سیاسی کردار خود را تطبیق دهد. موضع گیری های سیاسی افراد و گروها در برابر شبکه تقریباً آشکار و معین شده است. اسلامی های اصلاح طلب برای روش سنتی زندگی خود با تجدد و دمکراسی در حال ستیز هستند و هنوز آن انقلاب مذهبی که مسیحیت را از استبداد تقیث عقاید ارتودکسی و کاتولیک رها کرد در آن اتفاق نیفتاده است. کمونیست های ایرانی دهه ها است که چیز جدیدی نیاموخته اند و هنوز طبل جنگ طبقاتی و مبارزه ضد امپریالیستی که در واقع جنگ با دمکراسی های غربی است را میکوبند. اتحاد چپ و اسلامی ها یک اشتباه و یا تاکتیک نیست بلکه اتحادی استراتژیک بر ضد دشمن واحدی است که تصادفاً پرچم دمکراسی و آزادی را افراشته است.

تا بحال بزرگترین دست آورد شبکه سکولار دمکرات ها تدام آن بوده است و برای اینکه شبکه بتواند با نیروهای سیاسی اسلامی و کمونیستی رقابت کند به این تداوم و پیوند آن به دمکرات های انقلاب مشروطیت شدیداً نیاز دارد. امید شبکه به ایرانی سکولار دمکرات امید است که گذشته آن به انقلاب مشروطیت میرسد و امیدی نیست که قابل بر باد دادن باشد.